

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع محصولات کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان گناباد

مهناز رهبری^۱، ناصر شفیعی ثابت^{۲*}، نیره طاهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۵

چکیده

این پژوهش توصیفی-تحلیلی با هدف سنجش مؤلفه‌های زمینه‌ساز ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع محصولات کشاورزی (محصول زعفران) انجام گرفت. به این منظور، با استفاده روش آماری تحلیل مسیر تحت نرم‌افزار SPSS در قالب ۶ مؤلفه اثرگذار (فردی، روان‌شناختی، آموزشی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی) آثار مستقیم و غیرمستقیم این مؤلفه‌ها بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی دهستان حومه شهرستان گناباد بررسی شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که کلیه متغیرهای مستقل به غیر از مؤلفه فردی، که تنها دارای تأثیر مستقیم در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی بود، باقی متغیرهای مستقل (روان‌شناختی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی) آثار مستقیم و غیرمستقیم و همچنین ضرایب همبستگی بالا با ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع محصول زعفران کشاورزی داشتند. در این بین، بیشترین آثار معنی‌دار مستقیم و غیرمستقیم مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی (۵۱۴/۰ درصد) و کمترین این آثار مربوط به مؤلفه‌های محیطی (۲۱۵/۰ درصد) و مؤلفه‌های فردی (۲۳۵/۰ درصد) بود.

واژه‌های کلیدی: عوامل مؤثر، تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی، تحلیل مسیر، دهستان حومه،

شهرستان گناباد

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

E-mail: nshsabet@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مقدمه

نظام تعاونی دربرگیرنده گستره‌ای بسیار وسیع از درجات مختلف همکاری در انجام فعالیت‌ها بوده به گونه‌ای که از آن به مثابه قسمتی از محیط پویا و فعال کشاورزی و دریچه‌ای به سوی دنیای کشاورزی یاد شده است (Harper, 2010, 356). با وجود اهمیتی که سیاست‌های کلی ایران در بخش تعاون در ماده ۱۰۲ قانون برنامه چهارم توسعه و هم راستا با افزایش سهم بخش تعاون در کشور قائل است و از سویی، تأکید بر افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد تا پایان برنامه پنجم توسعه از ۳ درصد کنونی تا ۲۵ درصد، ولی تاکنون سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور فقط ۴ تا ۵ درصد بوده است (Rajaei et al., 2011). از طرف دیگر، کشاورزی خانوادگی و خرده‌دهقانی (وجود قطعات کوچک، پراکنده و نامتجانس بودن زمین‌های زراعی)، به عنوان بیشترین نوع میزان بهره‌برداری در ایران، مشکلات متعددی به دلیل حجم کوچک محصولات تولیدی، محدودیت اطلاعات، سرمایه کم و هزینه‌های معاملات بالا در تولید، بازاریابی، تأمین اعتبار و تهیه نهاده‌های تولید دارد (Benson, 2014) و سبب شده است کشاورزان دسترنج خود را به واسطه‌ها و سلف‌خرها بفروشند و از حداقل سود بهره مند شوند که البته گاهی نیز متضرر می‌شوند. بنابراین، این نوع از کشاورزی قادر به تحقق اقتصاد تجاری و همچنین قدرت ایجاد یک بازار قوی جهت مقابله با شرکای تجاری خود را نخواهد داشت. در این بین، نقش تعاونی‌های کشاورزی، به عنوان ابزاری جهت جلوگیری از پیدایش مسئله یاد شده و همچنین تولید محصولات با کیفیت‌تر و تأمین کننده امنیت غذایی در پاسخ به تقاضای مصرف کنندگان و سیاست‌های مدیریتی جدید دولت‌ها بسیار مهم است (XiangyuGuo, 2010). تعاونی‌ها همچنین زمینه‌ساز بهبود و ارتقای شرایط و کمک به خانوارهای کشاورز برای غلبه بر این محدودیت‌ها و کشاورزی سرمایه‌برند (Herbel et al., 2015).

با توجه به ویژگی‌های بیان شده در بخش تعاونی‌های کشاورزی، اولویت وظیفه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در قبال این وضعیت، ایجاد دگرگونی عمیق در ساختار وضع موجود، زمینه‌یابی و ایجاد نهادها و سازمان‌های کارآمد و مورد نیاز، بالا بردن درجه رشد و آگاهی

روستاییان جهت اقدام به فعالیت‌های مشترک، به وجود آوردن تفکر جدید در جمعیت روستایی و برانگیختن آنها برای برخورد نوین با مسائل و بسترسازی لازم برای ارتقای توان و اشتیاق روستاییان برای تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی بر پایه اصل پایداری و سودآوری است (Harper, 2010). زمانی پایداری نظام اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی محقق خواهد شد که منابع و عوامل زمینه ساز ارتقای ظرفیت‌های شناختی روستاییان برای ایجاد تعاونی‌ها در سطح سکونتگاه‌های روستایی فراهم شود (Dethier & Effenberger, 2012). در این ارتباط، به نظر می‌رسد تنها میزان سرمایه در تشکیل تعاونی‌ها یا رونق گرفتن آنها مؤثر نیست، بلکه مؤلفه‌های فردی بهره‌برداران کشاورزی و خدمات حمایتی دولتی در راستای تدوین برنامه‌های مناسب، آموزش و فرهنگ‌سازی، توسعه زیرساخت‌های لازم، توانمندسازی و ایجاد ظرفیت‌های فردی، گروهی و سازمانی و ... (Aini et al., 2012) نیز بر گرایش روستاییان برای ایجاد و شرکت در فعالیت‌های تعاونی تأثیرگذارند (Avsec & Stromajer, 2015).

در ارتباط با تعاونی‌ها و عوامل مؤثر در رشد و توسعه آنها مطالعاتی در جهان و ایران صورت گرفته است که البته تأکید بیشتر این مطالعات بر آثار حاصل از تشکیل تعاونی‌های روستایی و همچنین عوامل مؤثر بر موفقیت و بهبود عملکرد تعاونی‌ها می‌باشد و کمتر به زمینه‌های مؤثر در تشکیل این تعاونی‌ها پرداخته شده است. در این زمینه، مطالعات بانک جهانی در برزیل نشان می‌دهد خدمات مشاوره‌ای همراه با چارچوب‌های قانونی درست، کلید پایداری و رشد و توسعه تعاونی‌ها بوده و به ظرفیت‌سازی تعاونی‌ها کمک بسیاری نموده است. در کنیا نیز حمایت‌های دولتی در زمینه آموزش منابع انسانی و ارائه خدمات مشاوره‌ای باعث رشد و توسعه تعاونی‌ها شده است (World Bank, 2007). لاولس و رینولدز (Lawless & Reynolds, 2006) در بررسی خود عنوان کرده است که مدیریت قوی عامل بسیار مهمی در توسعه تعاونی‌ها محسوب می‌شود. اینترنام (Entrnam, 2007) در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی کشور مالزی به این نتیجه رسید که بین میزان اعتماد اجتماعی - نهادی، منزلت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌ها و منابع اطلاعاتی با شکل‌گیری تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی

رابطه ای مستقیم و معنادار و بین به کارگیری رهنمودهای ترویجی مروجان و تماس های ترویجی رابطه معناداری وجود ندارد.

پاودیال (به نقل از حیدری ساربان، ۱۳۹۱) در ارتباط با رشد و توسعه تعاونی های تولیدی کشاورزی بنگلادش به این نتیجه رسید که بین تشکیل تعاونی های تولیدی در مناطق روستایی با میزان مشارکت اجتماعی، تماس های ترویجی و اعتماد اجتماعی - نهادی رابطه ای مستقیم و معنادار وجود دارد.

اینی و همکاران (Aini et al., 2012) در ارتباط با عوامل مؤثر بر توسعه و عملکرد تعاونی ها بیان می کند که ایجاد و توسعه تعاونی ها، صرفاً جهت تأمین رفاه اعضای تعاونی ها نمی باشد، بلکه در کنار آن، ابزاری جهت از بین بردن فقر و توزیع ثروت ملی است. همچنین برنامه ریزی استراتژیک، مشارکت اعضا، سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و بنیادی از عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد تعاونی ها هستند.

گندم زاده و ثمری (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر تشکیل و اداره تعاونی ها و گرایش بیشتر اعضا را در سه دسته عامل اقتصادی، اجتماعی و مکانی تقسیم بندی کرده است. آنها در بین عوامل اقتصادی، مؤلفه های سرمایه و ریسک پذیری؛ در بین عوامل اجتماعی، مؤلفه های دولت، قانون گذاری و حمایت های حقوقی، آگاهی، مدیریت و مشارکت؛ در بین عوامل مکانی، مؤلفه های دسترسی به نهادهای تعاونگر، خدمات زیربنایی، شبکه حمل و نقل و شبکه آب و برق را از مهم ترین عوامل مؤثر در ایجاد و اداره تعاونی ها ذکر کرده اند.

بوزرجمهری و هادیزاده بزاز (۱۳۹۲) در بررسی سازه های مؤثر در توسعه تعاونی های تولید روستایی، بازنگری در قوانین و مقررات و اصلاح و ارائه سیاست های صحیح توسط دولت را زمینه های مناسب برای رفع محدودیت ها و استفاده مطلوب از ظرفیت های درونی و فرصت های بیرونی این امر می دانند.

حیدری ساریان (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داد که عوامل ترویجی بیشترین تأثیر را در تشکیل تعاونی های تولیدی دارند و سپس عامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی به ترتیب از عوامل تأثیرگذار در تشکیل تعاونی های تولیدی در مناطق روستایی بوده اند.

و اما در استان خراسان رضوی و به خصوص در شهرستان گناباد، که به عنوان یکی از قطب های مهم کشاورزی کشور در تولید محصول زعفران است، تعاونی های تولید و به خصوص تعاونی های تولید و توزیع محصول زعفران، نقش انکارناپذیری در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه های روستایی می توانند ایفا کنند. با توجه به نقش این شهرستان در کشت و تولید این محصول راهبردی و به جهت جایگاهی که زعفران در اقتصاد ایران و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زعفران کاران و در توسعه یافتگی سکونتگاه های روستایی شهرستان گناباد به ویژه دهستان حومه (به عنوان یکی از مناطق دارای بیشترین میزان کشت و تولید زعفران) دارد، می توان گفت بی توجهی به عوامل و تسهیل کننده های ایجاد تعاونی های تولید و توزیع برای افزایش و توسعه کشت و تولید این محصول گران بها منجر به ضعیف شدن چرخه اقتصادی کشت و تولید زعفران در ناحیه مورد مطالعه می شود. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چه عوامل و مؤلفه هایی در زمینه یابی و ایجاد تعاونی های تولید و توزیع زعفران در دهستان حومه شهرستان گناباد مؤثرند؟

مبانی نظری

سازمان های مردمی و روستایی داوطلبانه به عنوان ابزار لازم فرایند انتقال و توانمند کردن همه تولیدکنندگان به کار می روند؛ خصوصاً تولیدکنندگان و کارگران کوچک تر روستایی که برای به دست آوردن اقتصاد مقیاس و قدرت داد و ستد در جایگاه بازار و عرصه تصمیم گیری تلاش می کنند. این گروه از سازمان های روستایی به سازمان های اجتماعی و مدنی روستایی نسبت داده می شوند؛ یعنی به انواع گوناگونی از سازمان های مردمی روستایی و داوطلبانه تحت عنوان تعاونی های روستایی و کشاورزی و نیز گروه های کوچک غیر رسمی (طاهرخانی و قرنی آرانسی،

(۱۳۸۲). در ایران، تعاون، به مفهوم واقعی کلمه، از سابقه ای طولانی برخوردار است. تعاون و همکاری‌های مختلف اجتماعی در بسیاری از موارد، عامل مهمی در تغییر و تحولات اجتماعی بوده است که در سراسر تاریخ پرفراز و نشیب ایران به چشم می‌خورد. همکاری‌های اجتماعی اصولاً لازمه زندگی بشری است. لیکن، این ضرورت در جوامع گوناگون به دلیل برخورداری از سازمان‌ها، نهادها و نظام‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف، لزوماً یکسان نیست. همین امر سبب شده است که در ایران نیز با انواع خاصی از تعاون و همکاری مواجه باشیم که یکی از این تعاونی‌ها، تعاونی تولید کشاورزی است که نوعی نظام بهره‌برداری مبتنی بر تعاون می‌باشد که در آن بهره‌برداران با کشت یکپارچه و با حفظ مالکیت فردی به تولید و زراعت جمعی می‌پردازند (Aref, 2011).

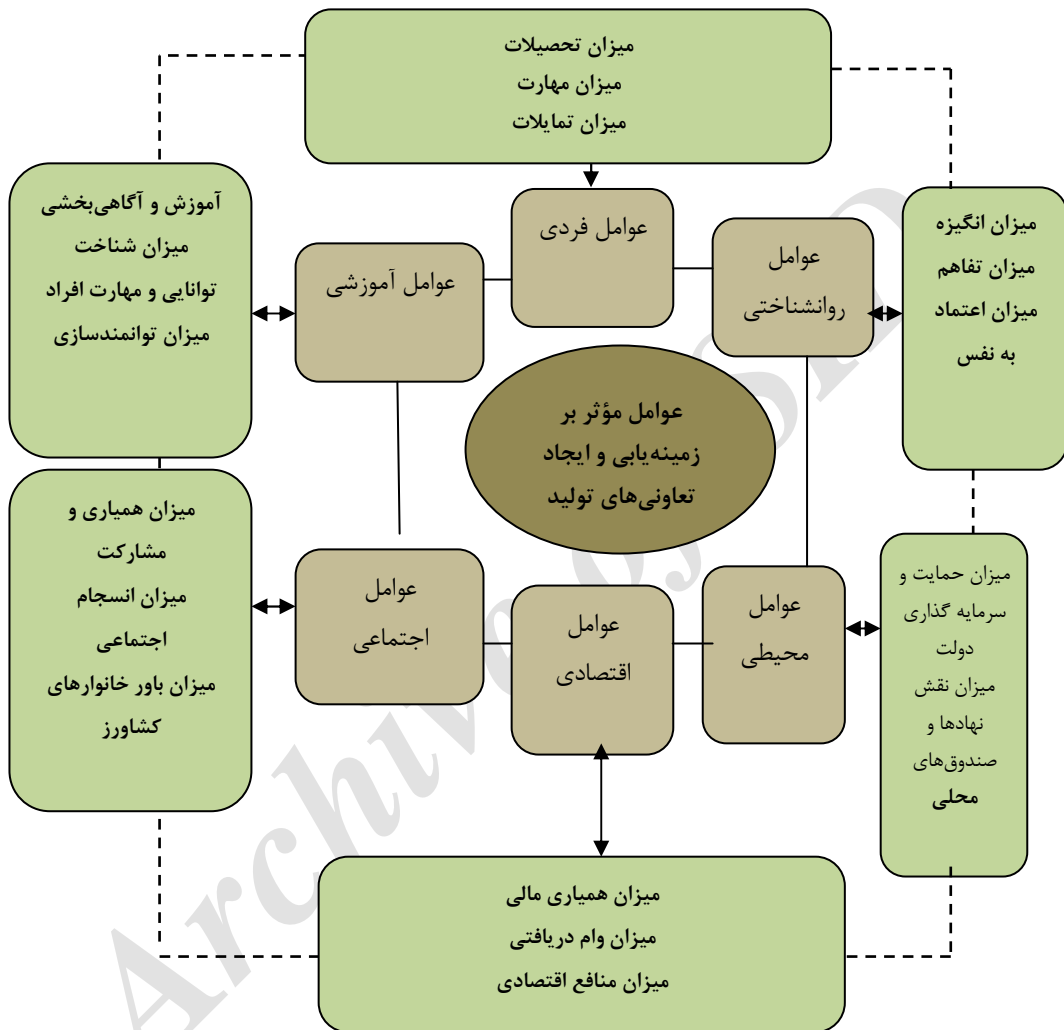
بررسی مسائل تعاونی‌های تولید کشاورزی حداقل از دو جهت ضرورت دارد: نخست اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل اصل ۴۴، به تعاون به عنوان یکی از پایه‌های اقتصادی کشور توجه ویژه نموده و به خصوص طی دو سال اخیر تلاش‌های زیادی صورت پذیرفته تا لزوم توسعه این بخش و نقش محوری آن در استقرار عدالت اجتماعی به موازات رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و دوم اینکه تعاونی تولید کشاورزی از جمله کارآمدترین و مؤثرترین نظام‌های بخش کشاورزی است که تعداد چشمگیری از بهره‌برداران در نقاط مختلف کشور درگیر مسائل آن هستند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). تعاونی‌ها نوعی کمک به ایجاد دموکراسی، برابری، عدالت و همبستگی هستند. در نظریه تعاونی، تعاونی‌ها بیشتر شامل سازمان‌هایی اقتصادی اند که درصدد پاسخ‌گویی به نیازهای اعضای خود هستند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲) و در این زمینه، انگیزه‌های اساسی آنها از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: ۱. نیاز به حمایت در برابر استثمار نیروهای اقتصادی بسیار قدرتمند، ۲. بهبود وضع خود از طریق استفاده بهینه از منابع غالباً کمیاب و ۳. توجه به تعیین بیشترین سود ممکن از هر گونه فعالیت اقتصادی که فرد بدان مشغول است، خواه تولیدی و خواه مصرفی (Oczkowski et al., 2013, 54). تعاونی‌ها بیشتر به عنوان سازمان‌های تولیدکننده به خصوص در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه رایج هستند. ویژگی‌های

معمول این نوع سازمان های تولیدکننده در مطالعه پژمن در سال ۲۰۰۷ شامل ساختار تصمیم گیرنده، ساختار پایین به بالا و مالکیت و کنترل به دست خود اعضا عنوان شده است (Mujawamariya et al., 2013). تعاونی های کشاورزی همچنین مکانیسمی جهت ترویج نوسازی و تجاری سازی تولیدات کشاورزان خرده پا و سیاستی است که از طریق آن دولت ها برای کاهش فقر و سازماندهی روستایی مورد استفاده قرار می دهند (Bernard & Spielman, 2009). طبق مطالعات گروس و انگلسب در سال ۱۹۸۹، ظهور تعاونی های کشاورزی نه تنها به جهت شرایط اقتصادی و منطقی، بلکه به جهت سیاست های عمومی و منافع حکومتی باید مورد توجه قرار گیرد. مسئولان حکومتی می توانند منافع و علایق خود را در جهت حمایت و پیشبرد تعاونی های کشاورزی قرار دهند؛ زیرا تعاونی ها می توانند نقش مهمی در کاهش تضادها و اختلافات بر سر زمین و یکپارچه و هماهنگ کردن روستاییان کشاورز با بازارها به منظور پیشبرد توسعه روستایی و هموار کردن برنامه های اقتصادی و اجتماعی بیرونی در نواحی پیرامونی ایفا کنند (Stattman et al., 2014) و میزان بالاتری از رشد عادلانه را در محیط های اقتصادی رقابتی ایجاد نمایند (Altman, 2015). بیبی و شاو (به نقل از حیدری ساریان، ۱۳۹۱) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که با تشکیل تعاونی های تولیدی در مناطق روستایی، شاخص های فقر در این مناطق به دلیل یکپارچه شدن اراضی زراعی، افزایش راندمان آبیاری، فراهم شدن زمینه لازم برای اجرای خدمات زیربنایی و مهندسی و تقویت یکپارچه سازی اراضی زراعی کاهش می یابد و در نهایت افراد روستایی از منظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و روان شناختی توانمند می شوند و می توانند کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. بر اساس مطالعه دلگادو در سال ۲۰۰۷، تعاونی های تولیدی ضمن بالا بردن مشارکت روستاییان در برنامه های توسعه روستایی، به توزیع عادلانه منابع و دسترسی برابر روستاییان به فرصت های اقتصادی و اجتماعی کمک می کنند (حیدری ساریان، ۱۳۹۱). تجربیات کشورها نیز در زمینه تعاونی های تولید نشان می دهد که از طریق تعاونی های تولید یکسری تحولات ساختاری مثبت در راستای حفظ و تداوم فعالیت کشاورزی در این کشورها صورت گرفته است. در چین تعاونی ها در کنترل کمی و کیفی تولید محصولات

غذایی و افزایش درآمد کشاورزان و افزایش توان رقابتی آنها در بازار نقش مهمی را ایفا نموده اند. در کشورهای توسعه یافته مثل آمریکا، تعاونی ها نقش مهمی در توسعه کشاورزی از طریق سازمان دهی به سرمایه های کوچک کشاورزان خرده پا، استفاده بهینه از منابع محدود آنها و افزایش درآمد این گروه از کشاورزان داشته اند (هادیزاده بزار و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به مباحث مطرح شده می توان گفت شرکت های تعاونی تولید کشاورزی با حذف واسطه ها، خرید به قیمت عمده فروشی و تهیه کالاهای مرغوب و غیر تقلبی و در اختیار کشاورزان گذاشتن آنها با کمترین قیمت می توانند علاوه بر افزایش محصول، در پیشرفت و ترقی بهره برداران کشاورزی مؤثر واقع شوند. از سویی، از آنجا که در کشور ما بسیاری از راهبردها و سیاست های توسعه بخش کشاورزی از طریق شرکت های تعاونی کشاورزی و روستایی اعمال می گردد، می توان گفت شرکت های تعاونی کشاورزی از مؤثرترین شبکه های موجود در سطح روستاها هستند که به طور مستقیم به کشاورزان و توده های روستایی خدمت می نمایند و در تحقق برنامه های کلان کشور نقش مهمی ایفا می کنند و باعث رشد و بالندگی قطب تولیدی بخش کشاورزی و شکوفا شدن استعداد های بالقوه این بخش در کشور می شوند (Aref, 2011). لذا در نهایت می توان گفت که سازماندهی و ایجاد زمینه های لازم جهت توسعه تعاونی ها که با هدف تأمین سرمایه، اشتغالزایی، گسترش مکانیزاسیون و برخورداری کشاورزان از حمایت های دولتی انجام گیرد، یکی از راه حل های اقتصادی جهت کاهش مشکلات ساختاری و معیشتی در سکونتگاه های روستایی به شمار می رود (حضرتی و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به کلیه مطالب پیش گفته، این پژوهش در قالب مدل مفهومی زیر به بررسی و سنجش مؤلفه های زمینه ساز (فردی، روان شناختی، آموزشی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی) و مؤثر در ایجاد تعاونی های تولید و توزیع محصول زعفران دهستان حومه در شهرستان گناباد پرداخته است.

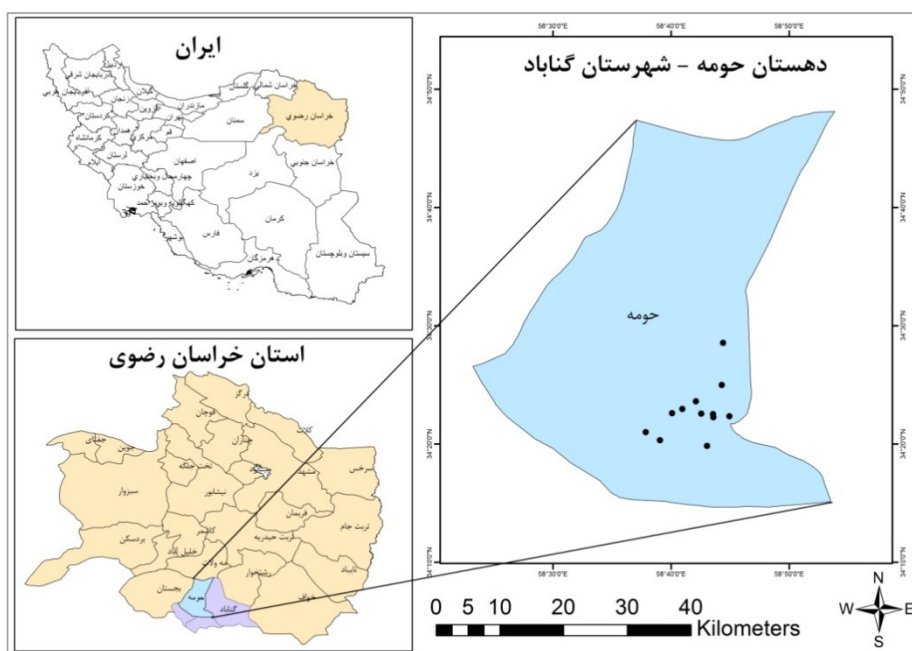


شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (اهم عوامل مؤثر بر زمینه‌یابی و ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع

کشاورزی)

روش شناسی تحقیق

شهرستان گناباد، به عنوان ناحیه مورد مطالعه در این پژوهش، در جنوبی‌ترین قسمت استان خراسان رضوی قرار گرفته است (شکل ۲). این شهرستان در طول شرقی ۴۶-۵۷ تا ۵۷-۵۹ و عرض شمالی ۳۴-۳۰ تا ۳۴-۵۴ قرار دارد. مساحت این شهرستان ۱۱۰۰۰ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۵۰ متر می باشد. مرکز شهرستان، شهر گناباد است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت آن ۸۰۸۳۷ نفر بوده است. این شهرستان دو بخش (مرکزی، کاخک) و ۴ دهستان و ۱۲۵ آبادی دارد. دهستان حومه بزرگ‌ترین دهستان از بخش مرکزی شهرستان است. این دهستان از جنوب با روستاهای دهستان براکوه و از شمال با روستاهای دهستان پسکلوت و از شرق با روستاهای شهرستان قاین و شهرستان خواف و از غرب با روستاهای شهرستان بجستان هم‌جوار می باشد. جمعیت این دهستان در سال ۱۳۹۰ برابر ۱۶۳۱۹ نفر بوده است (شکل ۲).



شکل ۲. موقعیت دهستان حومه در شهرستان گناباد

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کمی و میدانی انجام گرفت. برای بررسی و تحلیل مؤلفه های زمینه ساز ایجاد تعاونی های تولید و توزیع کشاورزی از ۶ شاخص شامل ویژگی های فردی (۱۳ گویه)، روان شناختی (۱۰ گویه)، آموزشی (۱۱ گویه)، اجتماعی (۱۳ گویه)، اقتصادی (۲۰ گویه) و محیطی (۶ گویه) استفاده شد (جدول ۱). روش مورد استفاده در این پژوهش برای تعیین اثرگذاری ۶ مؤلفه فوق بر ایجاد تعاونی های تولید و توزیع کشت زعفران در سکونتگاه های روستایی ناحیه مورد مطالعه، روش تحلیل مسیر بوده است. از آنجا که تحلیل مسیر شکلی از رگرسیون کاربردی و یکی از روش های آماری است که تحت عنوان مدل معادله های ساختاری شناخته می شود و امکان آزمون روابط علی بین دو یا چند متغیر در پژوهش های علی - ارتباطی (به صورت مستقل، وابسته، گسسته یا پیوسته، پنهان یا آشکارا و یا هر دو) به کار رفته در یک معادله خطی را فراهم می آورد، بنابراین، در این پژوهش از این روش استفاده و تلاش شد رابطه شاخص های مؤثر بر ایجاد تعاونی های تولید و توزیع محصولات کشاورزی به ویژه محصول زعفران به طور مستقیم و غیر مستقیم تعیین شود و در نهایت نمودار کلی حاصل از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری رگرسیون چندگانه ارائه گردد. تحلیل مسیر روشی است که برای آزمون مدل های کلی به کار می رود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است. این روش به تحلیلگر امکان می دهد در تحلیل داده ها، از مفروضات علی صریحی استفاده کند (سید حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). اساساً تحلیل مسیر تکنیکی تحلیلی است که با استفاده از معادلات رگرسیون چندمتغیره استاندارد شده، به بررسی مدل های نظری می پردازد.

جامعه آماری این پژوهش، روستاییان روستاهای نمونه تصادفی در دهستان حومه شهرستان گناباد به تعداد ۵۵۳۲ خانوار است. برای تعیین حجم روستاهای نمونه، بر اساس میزان جمعیت (روستاهای بالای ۵۰ خانوار) و همچنین روستاهای تحت پوشش کشت زعفران، تعداد ۱۲ روستا، یعنی جمعیتی معادل ۵۵۳۲ خانوار، انتخاب شد. سپس بر اساس فرمول کوکران و فرمول تعدیل آن (سرابی، ۱۳۹۰، ۱۳۶)، ۳۳۹ خانوار به عنوان خانوار نمونه تصادفی انتخاب شدند. علاوه

بر این، بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای احتمالی (به نسبت خانوار ۱۲ روستا) نمونه‌های تصادفی نسبت به حجم خانوار هر روستا انتخاب شدند و در آنها پرسشگری بر اساس ابزار پرسش‌نامه و بر اساس یک طیف ۵ امتیازی شامل خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد انجام شد.

در این پژوهش، جهت اطمینان از روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه از نظرات تعدادی از متخصصان و استادان دانشگاه و کارشناسان اداره تعاون روستایی شهرستان گناباد استفاده شد. جهت سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹، ۲۰۳). با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد، بنابراین می‌توان گفت پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۱. متغیرهای مستقل زمینه‌ساز تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی

مؤلفه‌ها	گویه‌ها
فردی	سطح تحصیلات، میزان دانش روستاییان در ارتباط با تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان مهارت روستاییان در زمینه فعالیت‌های تولید کشاورزی، میزان مهارت روستاییان در زمینه فعالیت‌های تجارت و بازاریابی، میزان خواسته روستاییان در جهت ایجاد صنایع بسته بندی، میزان تمایل روستاییان و کشاورزان جهت مشارکت در ایجاد صنایع بسته‌بندی محصولات کشاورزی، میزان خواسته کشاورزان در ارتباط با ایجاد تعاونی‌ها، میزان تأثیرگذاری مشارکت کشاورزان در شکل‌پذیری تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان تأثیرگذاری تعاونی‌های تولید و توزیع در همیاری و مشارکت اجتماعی، میزان تأثیرگذاری تعاونی‌های تولید و توزیع در همیاری و مشارکت اقتصادی
روان شناختی	میزان انگیزه کشاورزان و روستاییان در جهت ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان تفاهم میان خانوارهای کشاورزان روستا در جهت ایجاد تعاونی‌ها، میزان تفاهم روستا با روستاهای مجاور، میزان اعتماد به نفس روستاییان و کشاورزان در ارتباط با ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان اعتماد خانوارهای کشاورزان به یکدیگر، میزان اعتماد کشاورزان به کشاورزان روستاهای مجاور، میزان اعتماد به نفس کشاورزان در جهت مشارکت گروهی در فعالیت‌های کشاورزی، میزان اعتماد به نفس کشاورزان جهت مشارکت گروهی در فعالیت‌های بازاریابی مطلوب محصولات کشاورزی
اجتماعی	میزان همیاری و مشارکت کشاورزان در تولید و تعیین قیمت محصولات کشاورزی، میزان همیاری و مشارکت روستاییان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، میزان همیاری و مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های فروش و بازاریابی، میزان همیاری و مشارکت کشاورزان در مرحله کاشت، داشت و برداشت محصول، میزان انسجام گروه‌های روستایی در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان انسجام گروه‌های روستایی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، میزان انسجام گروه‌های روستایی با روستاهای مجاور، میزان باور کشاورزان و روستاییان به ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع

ادامه جدول ۱.

<p>میزان تأثیرگذاری آموزش و آگاهی بخشی به روستاییان در جهت ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان توانایی و مهارت روستاییان و کشاورزان در راه اندازی تعاونی‌ها، میزان مشکلات مشارکت خانوارها در راه‌اندازی تعاونی‌ها، میزان همبستگی و مشارکت میان خانوارهای کشاورزان در راه اندازی تعاونی‌ها، میزان آگاهی کشاورزان در جهت راه‌اندازی تعاونی‌ها، میزان آگاهی کشاورزان در زمینه افزایش موفقیت‌شان در فعالیت‌های گروهی، میزان زمینه‌های شکل‌گیری تعاونی‌ها، میزان شناخت روستاییان از چگونگی راه‌اندازی تعاونی‌های تولید و توزیع، میزان آموزش سازمان‌های مربوطه در زمینه ایجاد تعاونی‌ها، میزان توانمندسازی کشاورزان در ارتباط با راه‌اندازی تعاونی‌ها، میزان تأثیر آموزش در توانمندسازی روستاییان در جهت راه‌اندازی تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی</p>	<p>آموزشی</p>
<p>میزان همیاری مالی روستاییان به یکدیگر در امور تولید و فروش و بازاریابی محصولات کشاورزی، میزان مشکلات همیاری و مشارکت روستاییان در جهت راه اندازی تعاونی‌ها، میزان کمک‌های مالی فامیلی روستاییان به یکدیگر در زمینه تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، میزان ضرورت راه اندازی تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح روستا با توجه به تنوع تولیدات کشاورزی، میزان ضرورت راه‌اندازی تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح روستا با توجه به میزان تولیدات کشاورزی، میزان تأثیرگذاری فقدان تعاونی‌های تولید و توزیع در کاهش عملکرد کشاورزی، میزان تأثیرگذاری فقدان تعاونی‌ها در زیان ناشی از بازاریابی نامطلوب کالا، میزان شناخت کشاورزان از منافع اقتصادی راه‌اندازی تعاونی‌ها، میزان دسترسی روستاییان به تسهیلات اعتباری و وام جهت پیشبرد فعالیت‌های کشاورزی، میزان تأثیرگذاری راه‌اندازی تعاونی‌ها بر کمیت و کیفیت تأمین منابع اعتباری و دریافت وام، میزان نیروی کار جوان روستا، میزان تأثیرگذاری تعاونی‌ها بر ایجاد فرصت‌های شغلی، میزان تأثیرگذاری راه‌اندازی تعاونی‌ها بر احساس امنیت اقتصادی روستاییان، میزان تأثیرگذاری راه‌اندازی تعاونی‌ها بر ایجاد انگیزه برای گسترش فعالیت‌های فعلی در روستا، میزان تأثیرگذاری راه‌اندازی تعاونی‌ها بر ایجاد انگیزه در جهت تداوم یافتن فعالیت‌ها و گسترده تر شدن حیطه فعالیت در روستا</p>	<p>اقتصادی</p>
<p>میزان حمایت‌های دولتی در جهت ایجاد تعاونی‌ها، میزان حمایت دولتی در جهت توانمندسازی روستاییان در ایجاد تعاونی‌ها، میزان تأثیرگذاری حمایت دولت بر راه‌اندازی تعاونی‌ها، میزان سرمایه‌گذاری دولت در زمینه ایجاد تعاونی‌ها، میزان نقش نهادهای محلی در گسترش تعاونی‌ها، میزان نقش صندوق‌های محلی در گسترش تعاونی‌های تولیدی</p>	<p>محیطی</p>

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی

نتایج جدول ۲ بیانگر دیدگاه روستاییان نسبت به شاخص‌های تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع می‌باشد. در ارتباط با مؤلفه‌های فردی، حدود ۳۹/۳۷ درصد از پاسخگویان، تأثیرگذاری گویه‌های فردی بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح دهستان حومه را در حد متوسط، ۳۰/۱۶ درصد در حد زیاد و ۱۷/۴۲ درصد در حد کم اظهار کردند.

بنابراین، بیشترین میانگین نظرات در ارتباط با مؤلفه‌های فردی تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌ها در حد «متوسط» و کمترین میانگین در حد «خیلی کم» بوده است.

در ارتباط با مؤلفه‌های روان‌شناختی، با توجه به جدول ۲، ۱۷/۵۸ درصد از پاسخگویان تأثیرگذاری گویه‌های روان‌شناختی در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح دهستان حومه را در حد خیلی کم، ۳۶/۲۵ درصد در حد کم، ۳۴/۵۲ درصد در حد متوسط، ۸/۱۵ درصد در حد زیاد و در نهایت ۳/۴۸ درصد در حد خیلی زیاد بیان کردند. بدین ترتیب، بیشترین میانگین نظرات در ارتباط با مؤلفه‌های روان‌شناختی تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌ها در حد «کم» و کمترین آن در حد «خیلی زیاد» بوده است.

در ارتباط با مؤلفه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌ها، ۱۲/۷۷ درصد از پاسخگویان تأثیرگذاری آن را در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح دهستان حومه در حد خیلی کم، ۳۱/۱۶ درصد در حد کم، ۴۳/۹۸ درصد در حد متوسط، ۹/۰۴ درصد در حد زیاد و ۳/۰۴ درصد در حد خیلی زیاد اظهار کردند. براین اساس، بیشترین میانگین پاسخ‌ها در ارتباط با مؤلفه‌های اجتماعی تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها در حد «متوسط» و کمترین آن در حد «خیلی زیاد» بوده است.

در ارتباط با مؤلفه‌های آموزشی تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها در دهستان حومه، ۹/۶۲ درصد از پاسخگویان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح دهستان حومه در حد خیلی کم، ۲۸/۱۵ درصد در حد کم، ۳۷/۴۰ درصد در حد متوسط، ۱۸/۴۲ درصد در حد زیاد و ۶/۳۶ درصد در حد خیلی زیاد بیان کردند. بدین ترتیب، بیشترین میانگین نظرات در ارتباط با مؤلفه‌های آموزشی تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها در حد «متوسط» و کمترین آن در حد «خیلی زیاد» بوده است.

در ارتباط با مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها ۹/۰۹ درصد از پاسخگویان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در سطح دهستان حومه را در حد خیلی کم، ۲۰/۶۶ درصد در حد کم، ۳۱/۸۰ درصد در حد متوسط، ۲۶/۵۵ درصد در حد زیاد و ۱۱/۸۸ درصد در حد خیلی زیاد اظهار کردند. بدین ترتیب، بیشترین میانگین پاسخ‌ها در این باره در حد «متوسط» و کمترین آن در حد «خیلی کم» بوده است.

سرانجام بررسی دیدگاه روستاییان در ارتباط با مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌ها در دهستان حومه نشان داد ۱۴/۶۹ درصد از پاسخگویان این تأثیر را در حد خیلی کم، ۲۱ درصد در حد کم، ۲۵/۳۱ درصد در حد متوسط، ۲۶/۸۵ درصد در حد زیاد و ۱۲/۱۳ درصد در حد خیلی زیاد بیان کردند. بدین ترتیب بیشترین میانگین پاسخ‌ها در ارتباط با مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها در حد «زیاد» و کمترین میانگین در حد «خیلی زیاد» بوده است. در مجموع، میانگین پاسخ‌های داده شده به هر کدام از مؤلفه‌ها نشان‌دهنده غالب بودن حد متوسط گویه‌ها به لحاظ تأثیرگذاری بر ایجاد و راه‌اندازی تعاونی‌های کشاورزی از منظر روستاییان دهستان حومه شهرستان گناباد می‌باشد.

جدول ۲. دیدگاه پاسخگویان نسبت به مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد تعاونی‌ها

مؤلفه‌ها	خیلی کم (درصد)	کم (درصد)	متوسط (درصد)	زیاد (درصد)	خیلی زیاد (درصد)
فردی	۴/۶۶	۱۷/۴۲	۳۹/۳۷	۳۰/۱۶	۸/۳۳
روان‌شناختی	۱۷/۵۸	۳۶/۲۵	۳۴/۵۲	۸/۱۵	۳/۴۸
اجتماعی	۱۲/۷۷	۳۱/۱۶	۴۳/۹۸	۹/۰۴	۳/۰۴
آموزشی	۹/۶۲	۲۸/۱۵	۳۷/۴۰	۱۸/۴۲	۶/۳۶
اقتصادی	۹/۰۹	۲۰/۶۶	۳۱/۸۰	۲۶/۵۵	۱۱/۸۸
محیطی	۱۴/۶۹	۲۱	۲۵/۳۱	۲۶/۸۵	۱۲/۱۳

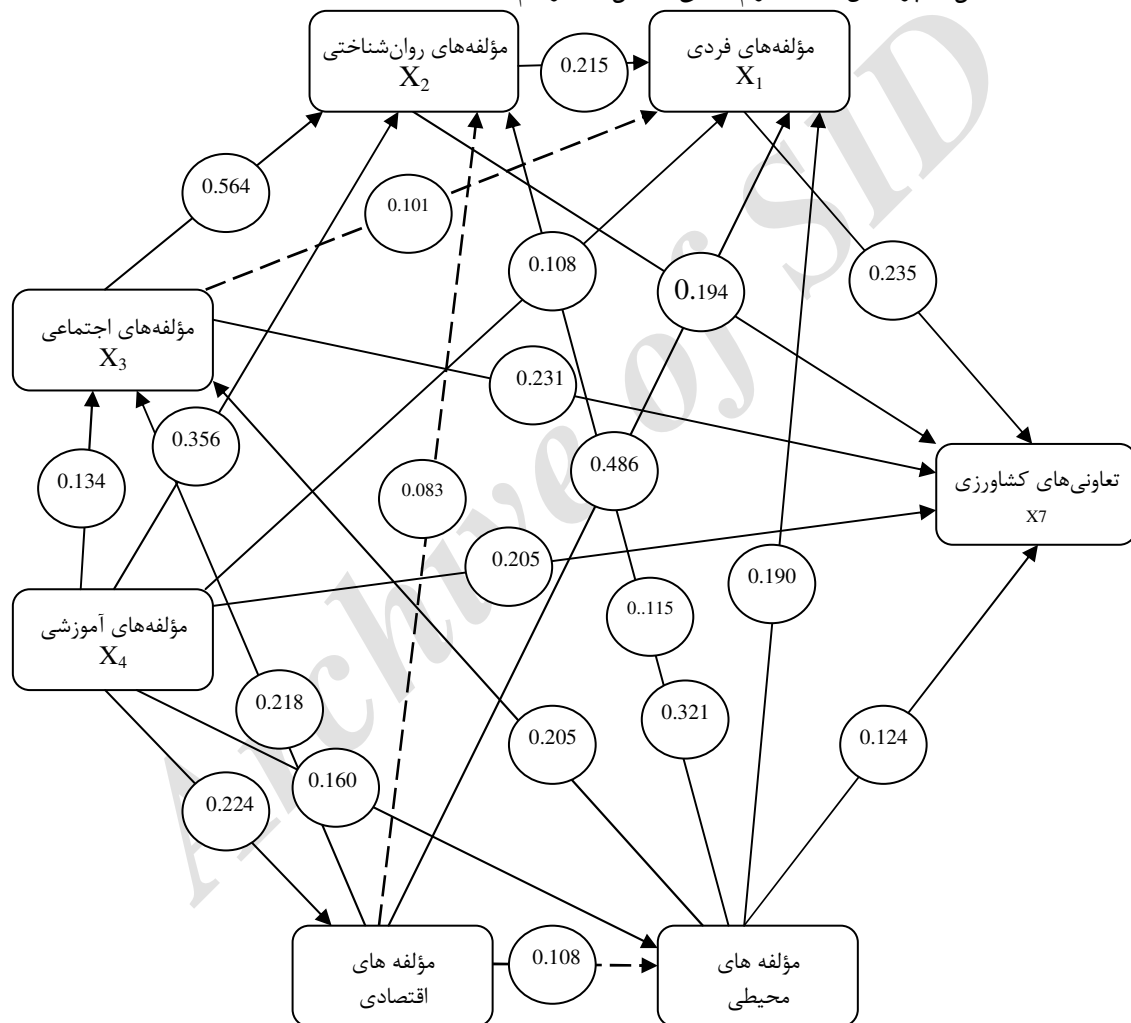
مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های استنباطی

در این بخش، رابطه شاخص‌های مؤثر بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع محصولات کشاورزی (به‌ویژه محصول زعفران) به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. از این رو، جهت تبیین مدل کلی و نهایی با استفاده از روش تحلیل مسیر ابتدا کلیه متغیرهای مستقل اثرگذار بر ایجاد تعاونی‌های کشاورزی مدنظر قرار گرفتند.

به این ترتیب، با به کارگیری ضریب بتا، سهم یا وزن متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته مشخص و اثرهای مستقیم و غیر مستقیم این متغیرها بر متغیر وابسته محاسبه شد. در

شکل ۳، روابط معنی‌دار شده به وسیله فلش‌های جهت‌دار مشخص شد و فلش‌های مربوط به متغیرهایی که روابط آنها از نظر آماری معنی‌دار نشدند حذف گردیدند. بر همین اساس، روابط علی مربوط به متغیرهای پژوهش با درج مقادیر ضرایب بتای مربوط و بدون در نظر گرفتن معنی‌داری یا عدم معنی‌داری در شکل ۳ نشان داده شدند تا امکان مقایسه تصویری با یافته‌های حاصل از پژوهش در دیاگرام نهایی (شکل ۴) فراهم آید.



شکل ۳. الگوی علی عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی بدون در نظر گرفتن معنی‌داری (مسیرهای نقطه چین، آثار غیر مستقیم حذف شده در دیاگرام نهایی می‌باشند که فاقد معنی‌داری هستند)

همان‌طور که در جدول تجزیه همبستگی (جدول ۳) و جدول ماتریس ضرایب همبستگی (جدول ۴) و در نهایت در دیاگرام نهایی (شکل ۴) قابل مشاهده است، کلیه متغیرهای مستقل، به غیر از مؤلفه فردی که تنها دارای اثرات مستقیم بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی می‌باشد، باقی متغیرهای مستقل (روانشناختی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی) دارای آثار مستقیم و غیر مستقیم و همچنین دارای ضرایب همبستگی بالا با ایجاد تعاونی‌های کشاورزی می‌باشند. در شکل ۴، تنها مسیرهایی که به جهت معنی دار نبودن آثار، از دیاگرام حذف شدند، آثار غیرمستقیم مؤلفه‌های اجتماعی بر مؤلفه‌های فردی ($p > 0.068$)، آثار غیرمستقیم مؤلفه‌های اقتصادی بر روان‌شناختی ($p > 0.097$) و مؤلفه محیطی ($p > 0.100$) و در نهایت آثار این مؤلفه‌ها بر ایجاد تعاونی‌های کشاورزی می‌باشند که این موضوع باعث شده است تفاوت چندانی بین دیاگرام اولیه و نهایی وجود نداشته باشد. بر اساس اطلاعات جدول ۳، بیشترین آثار مستقیم و غیر مستقیم معنی دار بر ایجاد تعاونی‌ها، مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی می‌باشد که در مجموع، ۰/۵۱۴ درصد از آثار مستقیم و غیر مستقیم را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌ها در ارتباط با مؤلفه اقتصادی نشان می‌دهد که وجود عواملی چون همیاری مالی روستاییان به یکدیگر، ضرورت آگاه‌سازی روستاییان از منافع اقتصادی راه‌اندازی تعاونی‌های کشاورزی، دسترسی روستاییان به تسهیلات اعتباری و وام، میزان وام دریافتی روستاییان جهت تولید کشاورزی، تأثیرات مثبت ایجاد تعاونی‌ها بر بازاریابی مطلوب کالا، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد حس امنیت اقتصادی، گسترده‌تر شدن حیطه فعالیت در محیط روستا و غیره می‌تواند از عوامل کلیدی زمینه‌ساز ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی در ناحیه مورد مطالعه باشد. در ارتباط با تأثیرات مؤلفه اقتصادی همچنین باید گفت، علاوه بر آثار مستقیم، بخش عمده‌ای از این تأثیرات، به طور غیرمستقیم ناشی از آثار سایر متغیرهای الگو می‌باشد (۰/۱۹۳ درصد) که در دیاگرام نهایی قابل مشاهده است.

بعد از مؤلفه اقتصادی، مؤلفه‌های اجتماعی بیشترین آثار معنی دار مستقیم و غیر مستقیم را بر ایجاد تعاونی‌های کشاورزی در دهستان حومه از خود نشان داده‌اند (۰/۳۶۸ درصد). آنچه در

ارتباط با مؤلفه اجتماعی می توان گفت، اهمیت عامل‌هایی همچون همیاری و مشارکت بین روستاییان در زمینه فعالیت های مختلف اجتماعی و اقتصادی اعم از تولید، تعیین قیمت محصول زعفران، فروش و بازاریابی و غیره، میزان انسجام گروه‌های روستایی در زمینه فعالیت‌های مختلف روستا، میزان باور روستاییان به ارزش های اجتماعی و اقتصادی ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع و غیره در راه‌اندازی فعالیت‌هایی همچون تعاونی‌های کشاورزی در ارتباط با محصول گران قیمت زعفران می باشد. همچنین قسمت عمده‌ای از تأثیرات مؤلفه‌های اجتماعی بر ایجاد تعاونی‌ها ناشی از آثار غیر مستقیم و به واسطه دیگر مؤلفه‌هاست (۰/۱۳۷ درصد).

مؤلفه‌های آموزشی ۰/۳۱ درصد میزان مجموع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم را بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع در دهستان حومه به خود اختصاص داده‌اند. در این باره می‌توان گفت که ارتقای عرصه‌های شناختی، مهارتی و توانمندسازی روستاییان به واسطه وجود سرمایه‌گذاری‌های دولتی لازم در ارتباط با مسائل آموزشی، ترویجی و اطلاع رسانی و همچنین تقویت نهادهای متولی مربوطه همچون سازمان تعاون روستایی، مدیریت ترویج جهاد و غیره در راستای آماده سازی عوامل و زمینه‌های مساعد جهت شکل گیری تعاونی‌های تولید می تواند از مؤلفه‌های کلیدی در جهت توسعه تعاونی‌های کشاورزی در دهستان حومه شهرستان گناباد باشند.

مؤلفه روان‌شناختی با ۰/۲۲۴ درصد آثار معنی‌دار مستقیم و غیرمستقیم، از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده این است که تأثیرگذاری مؤلفه‌هایی همچون میزان انگیزه، میزان تفاهم، میزان اعتماد به نفس و ... بر ایجاد تعاونی‌ها در دهستان حومه نسبت به مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی از اهمیت کمتری برخوردار است. در این باره می‌توان گفت افزایش میزان باورها، رغبت و انگیزه در روستاییان به واسطه آگاهی بخشی و درک اهمیت مزایا و منافع اقتصادی و اجتماعی تعاونی های تولید، افزایش حس اعتماد به نفس روستاییان در همیاری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف و همچنین زمینه‌سازی ایجاد حس همدلی بین روستاییان با یکدیگر و همچنین با نهادهای محلی می‌تواند از راهکارهای ترغیب کننده جهت مشارکت کشاورزان در شکل گیری تعاونی های تولیدی باشند.

مؤلفه‌های فردی و محیطی آخرین متغیرهایی هستند که به لحاظ تأثیرگذاری بر ایجاد تعاونی‌ها کمترین میزان تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم (فردی ۰/۲۳۵ درصد و محیطی ۰/۲۱۵ درصد) را بر شکل‌گیری تعاونی‌ها به خود اختصاص داده‌اند. این مسئله نشان دهنده این است که گویه‌های فردی همچون سطح تحصیلات، میزان مهارت، میزان خواسته و تمایلات روستاییان و غیره و گویه‌های محیطی همچون میزان حمایت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، نهادهای محلی، صندوق‌های محلی و غیره در راه‌اندازی و شکل‌گیری تعاونی‌های تولید و توزیع محصول زعفران در دهستان حومه نسبت به دیگر مؤلفه‌ها از تأثیرات کمتری برخوردارند. در ارتباط با مؤلفه‌های فردی باید گفت گرچه این متغیر نسبت به متغیرهای دیگر تأثیرگذاری کمتری را بر ایجاد تعاونی‌ها نشان داده است، لیکن این مؤلفه به جهت نداشتن آثار غیر مستقیم و صرفاً داشتن آثار مستقیم (۰/۲۳۵ درصد) که بیشترین اثر مستقیم و مثبت را نسبت به دیگر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده است، موجب این تأثیرگذاری کمتر شده است.

با توجه به آنچه در نهایت و با استفاده از جداول و دیاگرام‌هایی به دست آمده می‌توان گفت که در همه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد تعاونی‌های کشاورزی، آثار مستقیم بیش از آثار غیر مستقیم بوده است و همه متغیرهای مستقل به کار رفته در این پژوهش دارای ضرایب همبستگی بالا و آثار مستقیم و غیر مستقیم متعدد می‌باشند که این امر نشان‌دهنده اهمیت این متغیرها در زمینه‌سازی و شکل‌گیری تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی (به ویژه محصول زعفران) در دهستان حومه شهرستان گناباد است. علاوه بر این، آنچه در این پژوهش قابل توجه است، برابر بودن ضریب تعیین با ۱/۰۰۰ می‌باشد بدین معنا که ۱۰۰٪ از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیل فوق تبیین شده است.

جدول ۳. تجزیه اثرهای متغیرهای مستقل بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی

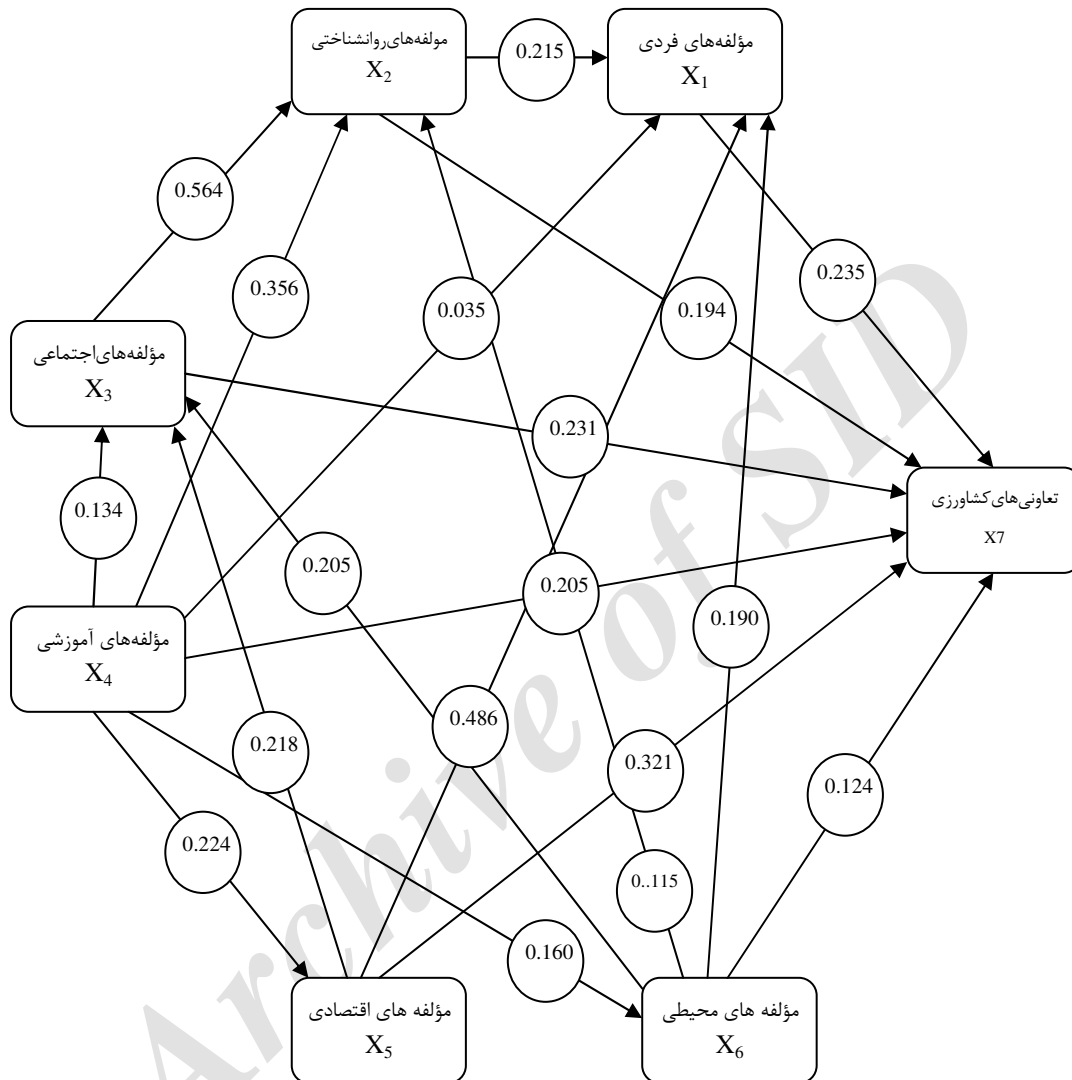
مؤلفه‌ها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع آثار مستقیم و غیر مستقیم	ضریب همبستگی اولویت (رتبه)
اقتصادی	۰/۳۲۱	۰/۱۹۳	۰/۵۱۴	۰/۸۳۴**
اجتماعی	۰/۲۳۱	۰/۱۳۷	۰/۳۶۸	۰/۷۳۲**
آموزشی	۰/۲۰۵	۰/۱۰۵	۰/۳۱	۰/۷۴۹**
روان‌شناختی	۰/۱۹۴	۰/۰۵۰	۰/۲۴۴	۰/۷۶۰**
فردی	۰/۲۳۵	-	۰/۲۳۵	۰/۷۹۸**
محیطی	۰/۱۲۴	۰/۰۹۱	۰/۲۱۵	۰/۵۹۶**

مأخذ: یافته‌های تحقیق **: سطح معناداری یک درصد * سطح معناداری پنج درصد

جدول ۴. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی

متغیرها	تولید و توزیع کشاورزی	ایجاد تعاونی‌های	مؤلفه‌های فردی	مؤلفه‌های روان‌شناختی	مؤلفه‌های اجتماعی	مؤلفه‌های آموزشی	مؤلفه‌های اقتصادی	مؤلفه‌های محیطی
ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی	۰/۰۰۰							
مؤلفه‌های فردی	۰/۰۰۰	۰/۷۹۸**	۱					
مؤلفه‌های روان‌شناختی	۰/۰۰۰	۰/۷۶۰**	۰/۴۷۳**	۱				
مؤلفه‌های اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۷۳۲**	۰/۳۸۷**	۰/۶۹۰**	۱			
مؤلفه‌های آموزشی	۰/۰۰۰	۰/۷۴۹**	۰/۵۲۳**	۰/۵۸۴**	۰/۳۹۱**	۱		
مؤلفه‌های اقتصادی	۰/۰۰۰	۰/۸۳۴**	۰/۶۷۴**	۰/۴۳۵**	۰/۴۵۸**	۰/۵۲۳**	۱	
مؤلفه‌های محیطی	۰/۰۰۰	۰/۵۹۶**	۰/۴۶۳**	۰/۲۸۴**	۰/۳۹۳**	۰/۳۶۸**	۰/۴۳۸**	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق **: سطح معناداری یک درصد * سطح معناداری پنج درصد



شکل ۴. الگوی علی عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی های تولید و توزیع کشاورزی با در نظر گرفتن معنی داری

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تأثیر ۶ متغیر مختلف که بر اساس ادبیات پژوهش تصور می شد بر ایجاد تعاونی های تولید و توزیع کشاورزی مؤثر باشند، با استفاده از تحلیل مسیر، بررسی شد. چنان که

ملاحظه گردید، کلیه مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد تعاونی‌ها (فردی، روان‌شناختی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی) با ضرایب همبستگی بالا و آثار معنی‌دار مستقیم و غیر مستقیم، تأثیر مسلم خود را بر شکل‌گیری تعاونی‌های تولید در دهستان حومه شهرستان گناباد نشان دادند. البته در این بین، تنها مسیرهایی که به جهت معنی‌دار نبودن از الگوی نهایی پژوهش حذف شدند، مسیرهای آثار غیر مستقیم مؤلفه‌های اجتماعی بر مؤلفه‌های فردی و همچنین تأثیر غیرمستقیم مؤلفه اقتصادی بر مؤلفه‌های روان‌شناختی و محیطی بود. یافته‌ها نشان از اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی بر شکل‌گیری تعاونی‌های تولید در دهستان حومه بود به گونه‌ای که بیشترین آثار معنی‌دار مستقیم و غیرمستقیم بر شکل‌گیری تعاونی‌ها را در بین دیگر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داد. این امر نشان‌دهنده اهمیت مؤلفه‌هایی همچون همیاری مالی روستاییان به یکدیگر، ضرورت آگاه‌سازی روستاییان از منافع اقتصادی راه‌اندازی تعاونی‌های کشاورزی، دسترسی روستاییان به تسهیلات اعتباری و وام، میزان وام دریافتی روستاییان جهت تولید کشاورزی، تأثیرات مثبت ایجاد تعاونی‌ها بر بازارسانی مطلوب کالا، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد حس امنیت اقتصادی، گسترده‌تر شدن حیطه فعالیت در محیط روستا و غیره بر ایجاد تعاونی‌های تولید و توزیع کشاورزی بودند در پژوهش‌های محققانی همچون عبدالملکی (۱۳۹۳)، منفرد (۱۳۹۰)، طاهرخانی و قرنی آرانی (۱۳۸۲)، آرایش و طاهری (۱۳۹۳)، گندم‌زاده و ثمری (۱۳۸۸)، استادی و علیزاده (۱۳۸۸) و علم‌بیگی و همکاران (۱۳۸۸) نیز بر مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار بر توسعه و تقویت فعالیت‌های سازمان‌های کشاورزان همچون حمایت‌های مالی دولتی، سطح درآمد کشاورزان و وضعیت اقتصادی کشاورز، نوع شغل و میزان آگاهی از مزایای اقتصادی مشارکت در فعالیت‌های سازمان کشاورزان تأکید شده است. در نقطه مقابل، در پژوهش حیدری ساریان (۱۳۹۱) عامل اقتصادی بعد از عوامل اجتماعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی بوده است. از آنجا که در این پژوهش مؤلفه‌های اقتصادی بیشترین نقش را در شکل‌گیری تعاونی‌ها داشته است، از این رو پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های متولی، از طریق اعطای تسهیلات بیشتر به بخش تعاون، کاهش سخت‌گیری‌ها در استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانکی، کمک به روستاییان در حصول درآمد

بیشتر و ارتقای حس امنیت اقتصادی روستاییان و به ویژه تولیدکنندگان محصول زعفران، ایجاد انگیزه‌های مادی از راه آگاه‌سازی روستاییان از منافع اقتصادی ایجاد تعاونی‌ها و متعاقباً گسترش فرصت‌های شغلی، موجبات راه‌اندازی هر چه بیشتر این نوع تعاونی‌ها را در دهستان حومه فراهم کنند. البته باید در نظر داشت که ایجاد انگیزه‌ها و کمک‌های صرف اقتصادی در این راستا کفایت نمی‌کند و باید از طریق ترغیب روستاییان به مشارکت و همیاری و انجام فعالیت‌های گروهی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و آشکار ساختن مزایای فعالیت‌های گروهی و همچنین درک فواید اقتصادی و اجتماعی کار جمعی نسبت به فردی، روستاییان را به سوی نهضت تعاون سوق داد.

مؤلفه‌های آموزشی به میزان ۰/۳۱ درصد تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر شکل‌گیری تعاونی‌ها داشته‌اند که یافته مزبور با نتایج پژوهش‌های لاولس و رینولدز (۲۰۰۶)، اینترنام (۲۰۰۷)، پاودیال (۲۰۱۰)، اینی و همکاران (۲۰۱۲)، هاشمی و همکاران (۱۳۹۳)، حیدری ساریان (۱۳۹۱) در ارتباط با تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و آموزشی (مشارکت، میزان بهره‌مندی از خدمات آموزشی و ترویجی، میزان آگاهی و نظام اطلاع‌رسانی به کشاورزان) بر ایجاد تعاونی‌ها همخوانی دارد. از این رو باید خدمات آموزشی و ترویجی و نظام مطلوب ترویج و اطلاع‌رسانی به صورت هر چه گسترده‌تر و متنوع‌تر هم در اختیار روستاییان و هم نهادهای محلی در جهت توانمندسازی و ارتقای عرصه‌های شناختی و مهارتی آنها قرار گیرد.

مؤلفه روان‌شناختی دیگر مؤلفه‌ای بود که به جهت تأثیرگذاری بر شکل‌گیری تعاونی‌های تولید می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این باره، افزایش میزان باورها، رغبت و انگیزه در روستاییان به واسطه آگاهی بخشی و درک اهمیت مزایا و منافع اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های تولید و همچنین افزایش اعتماد به نفس روستاییان در همیاری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف تولیدی و اجتماعی و ایجاد حس تفاهم و همدلی بین روستاییان با یکدیگر و همچنین با نهادهای محلی می‌تواند از راهکارهای ترغیب‌کننده، جهت مشارکت کشاورزان در شکل‌گیری تعاونی‌های

تولیدی باشند. این یافته با نتایج پژوهش علم بیگی و همکاران (۱۳۸۸) در ارتباط با میزان انگیزه و مشارکت کشاورزان همخوانی دارد.

مؤلفه‌های فردی و محیطی گرچه میزان تأثیرات کمتری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها در ارتباط با ایجاد تعاونی‌های کشاورزی از خود نشان داده‌اند لیکن همچون مؤلفه‌های دیگر و مطابق با یافته‌های به دست آمده و همبستگی بالا با ایجاد تعاونی‌های کشاورزی، تأثیر بسزای این دو را بر شکل‌گیری تعاونی‌های کشاورزی آشکار می‌سازد. مؤلفه‌های فردی بیشتر بر عواملی همچون سطح تحصیلات، میزان دانش و مهارت کشاورزان، میزان ریسک‌پذیری، میزان تمایلات روستاییان و کشاورزان و غیره تأکید دارند و در مؤلفه‌های محیطی، که بیشتر عوامل نهادی، سیاسی و حمایتی را در بر می‌گیرند، بر عوامل زمینه‌سازی همچون حمایت‌های دولتی چه به لحاظ نظام سرمایه‌گذاری و چه به لحاظ توانمندسازی نهادهای محلی و همچنین نقش صندوق‌های محلی در راه‌اندازی و گسترش تعاونی‌های تولید و غیره تأکید می‌کنند. یافته پیش‌گفته در مورد مؤلفه فردی (میزان ریسک‌پذیری) با نتایج پژوهش طاهرخانی و قرنی آرانی (۱۳۸۲) مطابقت دارد. اهمیت مؤلفه‌های فردی و محیطی بعد از مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و روان‌شناختی در تشکیل تعاونی‌های تولیدی در پژوهش حیدری ساربان (۱۳۹۱) نیز مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در پژوهش عبدالملکی (۱۳۹۳) به نبود رابطه بین متغیرهای فردی به ویژه سن و سابقه کشاورزی و میزان مشارکت در ایجاد و عضویت در فعالیت‌های سازمان کشاورزان اشاره شده است. در ارتباط با مؤلفه‌های فردی می‌توان با تقویت و فراهم ساختن زمینه‌های آموزشی و با ارتقای سطح سواد و آگاهی روستاییان، میزان دانش و مهارت آنها را در ارتباط با تولیدات کشاورزی افزایش داد و متعاقباً با افزایش یافتن میزان تولیدات و سود اقتصادی، رغبت کشاورزان را به مشارکت در تعاونی‌ها و افزایش سهم نسبی کشاورزان در تولید، تعیین قیمت، بازاررسانی مطلوب کالا و ... افزایش داد. در مورد عوامل محیطی، با تأکید بیشتر بر خدمات حمایتی دولتی، باید گفت که حمایت‌های دولتی و ارگان‌های رسمی می‌تواند هم به ارائه تسهیلات اعتباری به روستاییان و هم به خدمات آموزشی، مشاوره‌ای، آگاهی‌بخشی و نظایر آن اختصاص داشته باشد

که این مسئله در مؤلفه‌های آموزشی مورد بحث قرار گرفت. بنابراین با افزایش سهم دولت، به عنوان بخش حمایت کننده و نه مداخله‌کننده، در قالب سرمایه گذاری‌های بیشتر، ارائه وام و تسهیلات اعتباری، گسترش هر چه بیشتر صندوق‌های محلی و ارائه آموزش‌های لازم و توانمندسازی هر چه بیشتر نهادهای محلی موجود در روستا هم‌راستا با توسعه بخش تعاون و نیازهای تولیدکنندگان زعفران، می‌توان گامی هر چه سریع‌تر به سوی پیشرفت و توسعه تعاونی‌های تولید در مناطق روستایی، به ویژه در دهستان حومه شهرستان گناباد در ارتباط با محصول زعفران، برداشت.

منابع

- آرایش، م. ب و طاهری، م. ر. (۱۳۹۴). شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی عشایری استان ایلام از دیدگاه اعضای تعاونی‌ها. *روستا و توسعه*، ۱۸(۴)، ۷۴-۵۷.
- استادی، ح. و علیزاده، ع. ر. (۱۳۸۸). بررسی راهکارهای حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق اعطای تسهیلات بانکی (استان کهگیلویه و بویر احمد)، *تعاون*، ۲۰(۲۰۶) و ۲۰۷، ۴۷-۵۸.
- بوزرجمهری، خ. و هادیزاده بزاز، م. (۱۳۹۲). واکاوی و بررسی سازه‌های مؤثر در توسعه تعاونی‌های تولید روستایی استان خراسان رضوی از نظر کارشناسان، *جغرافیا و آمایش شهری*، شماره ۸، ۸۵-۱۰۰.
- بهرامی، ع. نادری مهدی، ک. و فطرس، م. ح. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر اعتماد و مولفه‌های آن در تعاونی تولید کشاورزی وینسار قروه. *روستا و توسعه*، شماره ۳، ۴۳-۵۸.
- حسینی، م. آقاصفیری، ح. و کرباسی، ع. (۱۳۹۳). شناسایی و تدوین راهبردهای مناسب توسعه تعاونی‌های تولید کشاورزی ایران. *تعاون و کشاورزی*، ۳(۱۰)، ۸۵-۶۵.

حضرتی، م.، مجیدی، ب. و رحمانی، ب. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان خدابنده، مجله تعاون، شماره ۳، ۸۹-۱۰۹.

حیدری ساریان، و. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی (شهرستان پارس آباد). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۲، ۱۰۳-۱۱۸.

سرایبی، ح. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران: انتشارات سمت.
سید حسینی، س. م.، علی احمدی، ع.، فکری، ر. و فتحیان، م. (۱۳۸۸). طراحی الگوی چابکی در فرآیند توسعه محصول جدید با استفاده از مدل تحلیل مسیر در صنایع خودروسازی ایران. مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۲۰(۴)، ۷۷-۸۹.

طاهرخانی، م. و قرنی آرانی، ب. (۱۳۸۲). مطالعه عوامل موثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی، مطالعه موردی: دهستان قنات قم. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸، ۸۱-۱۰۱.

عبدالملکی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل باغداران به مشارکت در تشکیل تعاونی‌های تولید گردو در شهرستان تویسرکان. روستا و توسعه، ۱۷(۴)، ۴۹-۶۹.

علم بیگی، ا.، ظریفیان، ش. و آقاپور، ش. (۱۳۸۸). تعیین عوامل موثر بر نگرش دامداران عضو تعاونی گاوآران شهرستان همدان به مشارکت در تشکیل و اداره سازمان‌های کشاورزان. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۰(۱)، ۱۱۳-۱۲۲.

گندم‌زاده، ر. و ثمری، د. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر گرایش کشاورزان به عضویت در تعاونی‌های تولید شهرستان طبس. تعاون، شماره ۲۱۲، ۹۱-۱۰۴.

مؤمنی، م. و فعالی قیومی، ع. (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

منفردن، (۱۳۹۰). تعیین کننده‌های مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولید: استان بوشهر. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۷(۱)، ۱۷-۲۵.

هادیزاده بزاز، م.، شایان، ح.، بوذرجمهری، خ. و نوغانی دخت بهمنی، م. (۱۳۹۲). سنجش و ارزیابی عوامل مؤثر در بهبود عملکرد تعاونی های تولید روستایی (استان خراسان رضوی). *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، شماره ۴، ۱۱۵-۱۳۱.

هاشمی، ف.، ملک محمدی، ا. و موحد محمدی، ح. (۱۳۹۴). اثربخشی خدمات آموزشی ترویج در تعاونی های کشاورزی استان های تهران و البرز. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۳۲، ۵۶-۶۹.

Aini, Y., Mahazril, H. A. K., Hafizah, Y., Zuraini (2012). Factors affecting cooperatives' performance In relation to strategic planning and members' participation. *Social and Behavioral Sciences*, Vol 65, 100 – 105.

Avsec, F., & Stromajer, J. (2015). Development and socioeconomic environment of Cooperatives in Slovenia. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 3(1), 40-48.

Aref, F. (2011). Agricultural cooperatives for agricultural development in Iran. *Life Science Journal*, 8(1), 82-85.

Altman, M. (2015). Cooperative organizations as an engine of equitable rural economic development. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 3(1), 14-23.

Benson, T. (2014). Building good management practices in Ethiopian agricultural cooperatives through regular financial audits. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 2(2), 1-11.

Bernard, T. J., & Spielman, D. (2009). Reaching the rural poor through rural producer organization? A study of agricultural marketing cooperatives in Ethiopia. *Food Policy*, 34(2), 60-69.

- Dethier, J., & Effenberger, A. (2012). Agriculture and development: A brief review of the literature. *Economic Systems*, 36(2), 175-205.
- Entrnam, P. (2007). Reactions of Spanish cooperatives to globalization: Ideal discourse types. *Journal of Rural Cooperation*, 32(11), 11-41.
- Herbel, D., Rocchigiani, M., & Ferrier, C. (2015). The role of the social and organisational capital in agricultural co-operatives development practical lessons from the CUMA movement. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 3(1), 24-31.
- Harper, M. (2010). The critical factors for the success of cooperatives and other groups. Washington DC. *Journal of Studies in the Social Philosophy of Cooperation*, 3(1), 223-240.
- Lawless, G., & Reynolds, A. (2006). Rural Food Cooperative, Case Studies Reveal Critical Retail Success Factors. *Rural Cooperative*, Vol. 72, No 5.
- Mujawamariya, G. D., Haese, M., & Speelman, S. (2013). Exploring double side-selling in cooperatives, case study of four coffee cooperatives in Rwanda. *Food Policy*, Vol. 39, 72-83.
- Oczkowski, E., Krivokapic, B., & Kay Plummer, S. (2013). The meaning, importance and practice of the co-operative principles: Qualitative evidence from the Australian co-operative sector. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 1(2), 54-63.
- Rajaei, Y., Yaghoubi, J., & Donyaei, H. (2011). Assessing effective factors in development of entrepreneurship in agriculture cooperatives of Zanjan province. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 15, 1521-1525.
- Stattman, L., & Mol, A. (2014). Social sustainability of Brazilian biodiesel: The role of agricultural cooperative. *Geoforum*. Vol. 54, 282-294.

World Bank (2007). *Cooperatives in social development*. Report of the Providing Financial Services in rural areas: A fresh Look at Finance Cooperatives Washington, Governance and Social Development Resource Centre. Lesson Learned on Cooperatives.

XiangyuGuo, M. (2010). Agriculture and agricultural science procedia, Study on Functions of Agriculture Cooperative in Food Safety. *Agriculture and Agricultural Science Procedia*, Vol.1, 477-482.

Archive of SID

An Investigation of Affecting Factors on the Creation of Cooperative's Production and Distribution of Agricultural Products in Rural Settlements of Gonabad Township

M. Rahbari¹, N. ShafieiSabet^{2}, N. Taheri³*

Received: Jul 04, 2016 Accepted: Dec 05, 2016

Abstract

A descriptive-analytical method was used to implement this research. Statistical method applied included path analysis using SPSS package in analyzing 6 effective factors (personal, psychological, educational, environmental, social and economic). In addition it researchers investigated the direct and indirect effects of these factors on the Creation of Cooperative's production and distribution of agricultural products in the Rural district of Gonabad Township. Findings indicated that all independent variables apart from the personal factors had direct effects on the Creation of Cooperative's production and distribution of agricultural products. The rest of the independent variables (psychological, educational, environmental, social and economic) had both direct and indirect effects and also a high correlation coefficient with the Creation of agricultural cooperatives. Therefore, the most significant effects of direct and indirect was related to the economic factors(.514%) and the least significant indirect effects found on the Creation of Cooperative of production and distribution of Saffron production were related to the environmental factors(.215%) and personal factors(.235%).

Keywords: Effective Factors, Cooperative's Production and Distribution of Agricultural Products, Path Analysis, Rural districts, Gonabad Township

1. Ph.D Student, Department of Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

* Corresponding Author

E-mail: nshsabet@yahoo.com

3. Master Student, Department of Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran